

خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال سوم، شماره بیست و پنجم، تیر ۱۳۹۵

- ♦ دکتر قبادی: پژوهشگاه می‌تواند قطب تخصصی علوم انسانی را به نام ایران در سازمان ملل ثبت کند
- ♦ اجرایی شدن مفاد تفاهم‌نامه میان مرکز مطالعات شرق‌شناسی آلمان در بیروت و پژوهشگاه علوم انسانی
- ♦ برگزاری جلسه مدیران شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی
- ♦ برگزاری مراسم بزرگداشت استاد حسن انوری در پژوهشگاه
- ♦ انتصاب مدیر امور اداری و رئیس‌ان پژوهشکده‌های پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ♦ گزارش جلسه مطالعات راهبردی «شاخص‌سازی، سنجش و ارزیابی وضعیت امنیت»
- ♦ کارگاه زیبایی‌شناسی قرآن برگزار شد
- ♦ مرکز توسعه علوم انسانی؛ حلقه مفقوده پژوهش‌های کاربردی و جامعه‌محور
- ♦ مدیر نظارت و ارزیابی پژوهشگاه: مسأله توسعه کشور، یکی از مسائل و دغدغه‌های مهم پژوهشگاه است
- ♦ نشست اول «مشروطه و زیست ایرانیان» برگزار شد
- ♦ برگزاری کارگاه آبرونی و ادبیات آبرونیک با تأکید بر شخصیت سقراط

در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها با رهبر معظم انقلاب اسلامی

دکتر قبادی: پژوهشگاه می‌تواند قطب تخصصی علوم انسانی را به نام ایران در سازمان ملل ثبت کند

فعل نیک آن را برد سوی سماک
گفت طیب را به سوی حضرتش
می‌دهد اعمال صالح رَفعتش

علوم انسانی میراثی در ایران به‌پشتوانه تاریخ و تمدن قوی و ریشه داشتن در نگرش توحیدی و اشراقی ایران و آمیختگی با ابعاد گوناگون فرهنگ‌ها و عناصر تمدنی شرقی و سرآمدی در بسیاری از عرصه‌ها در مشرق‌زمین در کنار همه فراز و فرودهای خود بالقوه از ظرفیت منحصر به فردی برای بازآفرینی معارف و آثار معنوی و عرضه به جهان امروز برخوردار است. این جاذبه به‌ویژه برای نسل فرهیخته و معرفت‌جو در اکناف عالم که احساس گسست معنویت دارد مسجل‌تر است.

این قابلیت فرهنگی علوم انسانی میراثی از چنان پشتوانه تاریخی - تمدنی و مایه‌های معنوی و زیبایی‌شناسانه برخوردار است که می‌تواند مزیت فوق‌العاده برای جمهوری اسلامی در عرصه مراودات و تعاملات و بسط فرهنگ و معنویت اسلامی - ایرانی به‌شمار آید. یکی از عمده‌ترین مشخصه و مزیت‌های ویژه علوم انسانی میراثی ایران، لایه‌های قدسی آن از یک سو و تزلزل و چند بُعدی بودن و دربرداشتن عناصر فرهنگ شهودی شرقی و مایه‌های تمدنی و آئینی ایرانی از طرف دیگر است. به‌ویژه آنکه این مایه‌ها در جویبار زلال وحیاتی معارف و تعالیم اسلامی بارور و بالنده گردیده‌اند و در ادوار بعدی نیز بدون مغلوب شدن در برابر اندیشه‌های یونانی، ضمن بهره‌گیری از معارف و روش‌های آن، هویت مستقل خود را حفظ نموده است. از همین روست که ابوعلی سینا فیلسوف مشاعی که به شفاعت تاریخ سیستان تمام علوم عمده جهان اعم از یونانی و غیره را از بر داشت، آثاری نفیس چون *حی ابن یقظان* و *رساله الطیر* را در ساختاری کاملاً عرفانی، اشراقی و شهودی عرضه می‌کند. همین زیرساخت‌های متمایز بود که توانست سرمشق دیگر بزرگان ما بشود و شاهکارهای بی‌بدیل جهانی نظیر شاهنامه و مثنوی مولوی و ... را خلق کند. عمده‌ترین عامل درخشش این آثار به دلیل تأثیر عمیق و ژرف‌ساختی از اعجاز بیانی و محتوایی قرآن کریم بوده است که «جرجانی» در نظریه نظم آن را حضور «معنای معنی» خوانده که دلیل عمده زیبایی شاهکارهای میراثی به‌شمار می‌آید و به تعبیر حافظ بزرگ: عشقت رسد به فریاد، گر خود بسان حافظ

قرآن ز بر بخوانی در چارده روایت

چنانچه تاریخ حکایت می‌کند، این قدرت معنوی؛ با کمک



بسم الله الرحمن الرحيم

در روز بیست و نهم و شب سی‌ام خرداد یاد دو استاد فرزانه از یاران انقلاب اسلامی: دکتر علی شریعتی و دکتر مصطفی چمران را گرامی می‌داریم.

آنچه موجب تصدیق شد، پیشنهاد دو راهکار در چارچوب ارتقاء حوزه علوم انسانی است. یک نکته معطوف به عرصه داخلی و دیگری ناظر بر قلمرو بین‌المللی است و استرشاداً به استحضار می‌رسد؛ که البته به دلیل تنگنای زمانی از قرائت تبیینی دیدگاه در بخش اول صرف‌نظر و اجمالاً درون‌مایه آن طی دو نکته به عرض رسانده می‌شود:

۱- ضرورت تقویت رهیافت تحول علوم انسانی و اجرای طرح جامع اعتلای علوم انسانی برای تقویت کارآمدی علوم انسانی در ایران با دقت نظر کامل در همه پیشینه‌ها و هماهنگ با فعالیت‌های همه نهادهای دست‌اندرکار.

۲- تعمیق اثربخشی حوزه کاربردی علوم انسانی با وارد ساختن فعالیت‌های کاربردی علوم انسانی به حوزه توانمندسازی اجتماع‌محور و ماندگارسازی تأثیر پیوسته‌های فرهنگی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی با معطوف ساختن آن در توانمندسازی مناطق محروم و دورافتاده کشور به عنوان یکی دیگر از راهکارهای ارتقاء کارآمدی علوم انسانی در عرصه کاربرد است.

محور دوم عرائض بنده مربوط به پیشنهادی است در زمینه ارتقاء کارآمدی علوم انسانی در عرصه‌های بین‌المللی که با عنوان بازآفرینی نقش علوم انسانی در تقویت گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه جهانی، به‌ویژه با بهره‌گیری از ظرفیت نهادی موجود در کشور تقدیم می‌شود:

إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ (قرآن کریم، سوره فاطر، آیه ۱۰)

سوی او بالا رود گفتار پاک

حوزه علوم انسانی در ایران قابل بازیابی و بازآفرینی است؛ زیرا به شهادت تاریخ، در ادوار گذشته، گسترش فرهنگ و آموزه‌های اسلامی، در بسیاری از نقاط جهان از جمله: بالکان؛ بخش‌هایی از آسیای صغیر، قسمتی از آسیای میانه، بخش‌هایی از چین و قسمت اعظم شبه قاره هند، مدیون علوم انسانی میراثی و معارف اسلام و ایران و همت ایرانیان و عمدتاً از گذرگاه ادب فارسی ممکن شده است. این امر می‌تواند مؤید این نکته باشد که علوم انسانی - اسلامی - ایرانی و پشتوانه‌های معرفتی و زیبایی‌شناسی آن می‌تواند امکان و فرصتی برای بازتاب بیشتر جمهوری اسلامی در جهان امروز واقع شود و این علوم انسانی به‌عنوان طلایه‌دار جهان شرق و آسیا با بهره‌گیری از میراث درازدامن یادشده، با عقبه چندین هزار ساله شاید بهتر بتواند پاسخگوی فرهیختگان دلزده از استیلای دنیای مادی‌گرا و خسته از خشونت و جدال مداوم و رویگردان از مادی‌زدگی مارکسیسم و دیگر نحله‌های الحادی و مادی جهان امروز به‌شمار آید و در برابر سیطره فرهنگ غرب، سخنی تازه از جهانی عمیقاً معنوی، انسانی، اشراقی، الهی و معنوی داشته باشد.

هین سخن تازه بگو تا دو جهان تازه شود

و ا رهد از حدّ جهان، بی حد و اندازه شود

یکی از دلایل استمرار جاذبه‌های میراث‌های حکمی و زیبایی‌شناسانه ایرانی - اسلامی برای جهان امروز، ضمن ابتدا آن برپایه معارف قرآنی، آمیختگی آن با معنویت شرقی در عرصه فرهنگ و آداب و آیین است؛ چرا که شرقیان، عموماً، جهان برون را با ضرب‌آهنگ جهان درون تفسیر می‌کنند و در چنین نگاهی، جهان درون آدمی ورای منظر حکمت مشا و اشراق است و در این جهان‌نگری «جان» یک پدیدار است که به قدسیت، ازلیت و ابدیت اتصال دارد و با کیهان و عالم قدس همذات‌پنداری می‌کند و خود را در سایه «نور علی نور» می‌بیند و نورالانوار را درک می‌کند. به قول حافظ:

حسن روی تو به یک جلوه که در آئینه کرد

این همه نقش در آئینه اوهام افتاد

شرقیان عموماً در پایبندی به فضائلی همچون اصالت نهاد خانواده، تعفف، حیا، نجابت عمومی، باور به حریم‌ها، و التزام به کرامت انسانی و اصل نبودن خشونت نزد آنان، با مبانی ایرانی - اسلامی قرابت دارند.

وقتی متن شاهنامه فردوسی و مثنوی مولوی با برخی معارف شرقیان مطابقت داده می‌شود، در عموم آنها، با انسانی کیهانی با حقیقت مشترک شرقی روبرو می‌شویم. انسانی که به آسمان نگاه می‌کند و با سروش سخن می‌گوید و حتی جدال در آنها برای گسترش معرفت در سایه حکمت شکل می‌گیرد. ولی زمانی که برخی حماسه‌های غربی مطالعه می‌شود، دیگر خویشاوندی انسان با کیهان نمود ندارد و صدای چکاچک شمشیرها و شکستن استخوان‌ها بزرگترین طنینی است که به گوش می‌رسد.

در عین حال باید در این ارتباط به‌استحضار برساند: در موقعیت کنونی، که برخی جریان‌های ضد تمدنی در جهان، بویژه برخی همسایگان ما، شبانه‌روز در اطراف و اکناف عالم درصدد تخریب اینگونه امتیازهای فرهنگی و مزیت‌های تمدنی علوم انسانی ایرانی هستند، حتی به‌دنبال تعطیلی برخی مراکز مطالعات مربوط به ایران و ایران‌شناسی در جهان برآمده‌اند؛ با چنین موقعیتی از حضرتعالی تقاضا دارد راهنمایی فرمایید تا چنانچه مصلحت بدانید در کنار فعالیت‌های ارزشمند دیپلماتیک وزارت امور خارجه و اقدامات ثمربخش فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، در قلمرو معین مراودات محدود به حوزه علوم انسانی و فرهنگ شرقی - آسیایی - اسلامی - ایرانی با عنایت به ظرفیت قانونی بین‌المللی که در اختیار کشور است، زمینه‌های این تعامل فراهم آید.

این ظرفیت نهادی مشخصاً مرکز اسناد فرهنگی آسیا است که از چند دهه قبل با تصویب نهاد فرهنگی سازمان ملل متحد، یعنی یونسکو، اختیار آن به ایران داده شده و محل استقرار آن در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تعیین شده است که اگر صلاح می‌دانید پژوهشگاه می‌تواند تحقق این هدف را در دستورکار مأموریت آتی خود قرار دهد و بتواند قطب تخصصی علوم انسانی را انشاء... به نام جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل ثبت کند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

اجرای شدن مفاد تفاهم‌نامه میان مرکز مطالعات شرق‌شناسی آلمان در بیروت و پژوهشگاه علوم انسانی

براساس تفاهم‌نامه جامع همکاری‌های علمی و پژوهشی میان مرکز مطالعات شرق‌شناسی آلمان در بیروت و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که یکی از مفاد آن «تبادل اطلاعات علمی و فراهم کردن امکان دسترسی آسان به منابع علمی شامل کتب، نشریات و سایر مدارک علمی به‌ویژه نسخه‌های خطی فارسی و متون تحقیقاتی مرتبط» بود، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی آثار و کتاب‌های خود را برای این مرکز ارسال کرد و این مرکز نیز متقابلاً آثار و متون تحقیقاتی خود را ارسال کرده است.



برگزاری جلسه مدیران شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

گفتگوی علمی در زمینه علوم انسانی و نظریه‌های روز دنیا و تمهید شرایط مناسب برای عرضه محصولات علمی، بومی و اسلامی- ایرانی در چارچوب شبکه نخبگانی علوم انسانی کشور تشکیل شد و سالانه بیش از ده هزار کتاب منتشره در حوزه‌های مختلف علوم انسانی را مورد نقد علمی- پژوهشی قرار می‌دهد. دکتر کریمی مطهر، دبیر جدید شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، استاد گروه زبان روسی دانشگاه تهران است و در سال‌های اخیر هدایت گروه زبان‌های خارجی شورا را برعهده داشته است.

مدیران گروه‌های شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در جلسه‌ای به ریاست دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه و رئیس شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی؛ ضمن پذیرش استعفای حجة الاسلام والمسلمین حسینی سروری از دبیری شورا و تقدیر از زحمات و خدمات چندساله ایشان، از انتصاب آقای دکتر جان‌الله کریمی مطهر، رئیس گروه زبان‌های خارجی شورا استقبال و ضمن آرزوی توفیق برای ایشان، بر ضرورت گسترش فعالیت‌های شورا و کیفیت‌بخشی به محصولات آن و همچنین تسهیل فرآیندهای اداری و علمی تأکید کرد. شورای متون از سال ۱۳۷۴ با هدف نقد و گسترش فضای



انتخاب دکتر پروین ترکمنی‌آذر به عنوان اهداء کننده برتر کتاب کشور

آزاد اسلامی واحد خوی، از اهدا کنندگان کتاب قدردانی به عمل آمد و بخش مرجع کتابخانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی توسط دکتر پروین ترکمنی‌آذر افتتاح گردید. شایان ذکر است، دکتر ترکمنی‌آذر، استاد رشته تاریخ و عضو هیأت علمی پژوهشگاه تاریخ پژوهشگاه، در سال ۱۳۹۴ بخش عظیمی از مجموعه کتابخانه همسر فقیدشان را که شامل کتاب‌هایی نفیس و از جمله چندین جلد نسخه خطی ارزشمند بود، به کتابخانه دانشگاه آزاد شهرستان خوی اهداء کرده بودند.

کنندگان برتر کتاب تقدیر شد. در این مراسم که هیأتی از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز حضور داشتند بر نقش و جایگاه کتاب در توسعه و نشر دانش در اقصی نقاط کشور و به‌ویژه مناطقی که کمتر از مراکز استان‌ها مورد توجه هستند تأکید شد. همچنین دکتر حمید تنکابنی و دکتر الهامه مفتاح و دکتر پروین ترکمنی‌آذر به ایراد سخنرانی پرداختند. در پایان مراسم با اهدای لوح از سوی مسئولین فرهنگی شهرستان و همچنین حجت الاسلام والمسلمین شکوری، امام جمعه خوی، و دکتر لطفی رئیس دانشگاه

در روز پنجشنبه ۶ خردادماه ۱۳۹۵ مراسم قدردانی از اهداکنندگان برتر کتاب کشور در خوی برگزار شد. طی این مراسم که با حضور جمعی از فرهیختگان، دانش‌پژوهان و محققان در سالن دانشگاه آزاد اسلامی خوی برگزار شد با اهدای لوح و هدایایی از حجت الاسلام شکوری امام جمعه شهر خوی، استاد پیشکسوت تاریخ آقای دکتر محمدتقی امامی خوبی، استاد برجسته تاریخ، دکتر پروین ترکمنی‌آذر، جناب آقای اصغر پارسا و جناب آقای ابراهیم فتح الهی (برادر جناب آقای دکتر محمد علی فتح الهی) با عنوان اهداء

مراسم بزرگداشت استاد حسن انوری در پژوهشگاه برگزار شد

حسینعلی قبادی: توأمان معلم و محقق بودن کار دشواری است/ «فرهنگ سخن» جامع‌ترین فرهنگ فارسی است

دکتر انوری تا قرن‌ها ماندگار خواهد شد و انشاءالله سایه ایشان هم تا ده‌ها سال بعد بر سر فرهنگ و فرهنگ جویان ایرانی ماندگار باشد. در حاشیه مراسم دکتر قبادی از استاد انوری تجلیل به عمل آورد.



حسن انوری در بخشی از مراسم، طی صحبت‌هایی اظهار داشت: بنده در تدوین فرهنگ بزرگ سخن حروف را بین همکاران تقسیم کرده بودم که یکی از همکاران بسیار عزیز، دکتر شادروی منش بودند که حرف «ب» را به ایشان سپرده بودم درحالی‌که به دیگران بخش‌هایی از هر حرف را سپرده بودم. کمترین ویرایش را کار دکتر شادروی منش نیاز داشت چرا که ایشان به دقت کار کرده بودند و حرف «ب» نوشته ایشان است درحالی‌که بقیه قسمت‌ها خیلی تغییر می‌کرد و از نو نوشته می‌شد.

وی در ادامه افزود: دستور زبان یک دانش نسبتاً نو است اولین بار در قرن سیزدهم میرزا حبیب اصفهانی دستور سخن را به وجود آورد و پاره‌ای از قواعد زبان فارسی را با اقتباس از گرامر فرانسه به صرف و نحو عربی تدوین کرد بعدها مرحوم میرزا عبدالحمید قریب چند دوره دستور زبان نوشت. دستور زبان مربوط به زمان تحصیل من، برای آقای قریب بود. بعدها در وزارت فرهنگ قرار شد دستور دیگری نوشته شود و از چند تن از استادان از جمله بدیع الزمان فروزانفر، جلال الدین همایی و چند نفر دیگر درخواست نگارش دستور زبان برای مدارس صورت گرفت.

مراسم بزرگداشت استاد حسن انوری و نقد منابع دستوری زبان فارسی با حضور استاد حسن انوری، استاد زبان فارسی، دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و اعضای شورای بررسی متون علوم انسانی روز چهارشنبه ۹ تیر ۱۳۹۵ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

حسینعلی قبادی در ابتدای این مراسم با خواندن غزلی از حافظ شیرازی درباره شب قدر طی سخنانی عنوان کرد: بنده این صلاحیت را ندارم که در منزلت استادام صحبت کنم اما حق شاگردی، بنده را ملزم به این کار می‌کند. بنده در سال ۵۶ این سعادت را داشتم که شاگرد استاد انوری باشم اما پس از آن هم در غیابشان شاگردیشان را کردم بنابراین ارادت من در منزل هم ورد زبانم شده است.

وی در ادامه افزود: بنده سه فضیلت را در وجود ایشان کشف کردم نخست اینکه استاد انوری یک معلم تمام عیار بودند، معلمی که سخت کوشی، خلاقیت و شاگرددوستی و شاگردپروری را توأم داشتند. خیلی از معلمان فاضل هستند که توفیق شاگردپروری کمتری دارند اما ایشان هم در علم توفیق بالایی داشتند و هم این اکتسابات را در اختیار دیگران قرار دادند. در زمان تدریس وجود ایشان بود که به جان ما می‌نشست به گونه‌ای که گاهی با خوف سر کلاس ایشان می‌نشستیم اما همین هم توأم با عشق و علاقه و محبت بود.

قبادی با تأکید بر اینکه معلم و محقق توأمان بودن کار دشواری است، گفت: دکتر انوری به تمام معنا این صفات را به ضمیمه روش‌دانی هیچگاه ترک نکردند. ایشان همیشه با دست پر و اندیشه نو سرکلاس حاضر می‌شد و ما هر ترم تحصیلی بیشتر با نوآوری‌های ایشان روبه رو می‌شدیم. به خاطر دارم ایشان برای تدریس غزلیات شمس مثلث‌هایی برای ما کشیده و رابطه بین من، خیال و عاطفه را ترسیم کردند بنابراین کلاس ایشان صرفاً آموزشی نبود بلکه کارگاه به تمام عیار پژوهشی بود.

وی با تأکید بر اینکه با این خصوصیات استاد انوری توانست زبان و ادب امروز ما را با فرهنگ ایرانی پیوند بزند، گفت: این فرهنگ به گونه‌ای با فرد صحبت می‌کند که گویی ادبیات ما همیشه زنده است این خدمت فرهنگی بی بدیل



انتصاب مدیر امور اداری و رئیسان پژوهشکده‌های پژوهشگاه

همزمان با سالروز میلاد باسعادت امام حسن مجتبی(ع)؛ دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی، طی احکامی مدیر امور اداری و رئیسان پژوهشکده‌ها را به شرح زیر منصوب کرد:

حامد مؤمنی به عنوان «سرپرست امور اداری و پشتیبانی»، دکتر علیرضا ملائی‌توانی به «ریاست پژوهشکده تاریخ ایران»،

دکتر محمدعلی فتح‌الهی به «ریاست پژوهشکده نظریه پرداززی سیاسی و روابط بین‌الملل»،

دکتر موسی نجفی به «ریاست پژوهشکده اندیشه سیاسی و انقلاب و تمدن اسلامی»،

دکتر ابراهیم التجائی به «ریاست پژوهشکده مطالعات تطبیقی اقتصاد و مدیریت»،

دکتر سید مصطفی عاصی به «ریاست پژوهشکده زبان‌شناسی»،

دکتر مهدی معین‌زاده به «سرپرست پژوهشکده غرب‌شناسی و علم‌پژوهی»،

دکتر ناهید مؤیدحکمت به «سرپرست پژوهشکده مطالعات اجتماعی»،

دکتر مهرنوش هدایتی به «سرپرست پژوهشکده اخلاق و تربیت»،

دکتر یوسف محمدنژاد عالی زمینی به «سرپرست پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی»

یادآور می‌شود انتصاب رئیسان پژوهشکده‌های پژوهشگاه براساس انتخابات برگزار شده در اردیبهشت‌ماه که بعد از دو سال برگزار شد، انجام گرفت.

انتصاب

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طی احکامی، دکتر زهرا پارساپور را به عنوان «مسئول دبیرخانه هیأت اجرایی جذب اعضای هیأت علمی پژوهشگاه» و دکتر جان‌الله کریمی‌مطهر را به عنوان «دبیر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» منصوب کرد.

انوری اظهار داشت: بنا به نقدی که مرحوم مجتبی مینوی بر این کتاب داشته، این اساتید پنج گانه با هم همفکری نداشتند؛ بنابراین ناهمواری‌های گوناگون به این دستور راه یافت بعد از اینکه دستور مرحوم خیام‌پور نوشته شد، دستور قبلی دیگر از برنامه‌ها حذف شد.

وی با بیان اینکه بنده در دانشگاه تبریز شاگرد مرحوم خیام‌پور بودم و دستور او یکی از بهترین دستورهای تاریخ دستور زبان است، افزود: آنطور که خود در مقدمه نگاشته مقتبس از روش آدلونگ آلمانی است. دکتر خیام‌پور نکات تازه‌ای به دستور زبان افزود به عنوان نمونه مثلاً از فعل ناقص برای اولین بار در این دستور استفاده شده است منظور از این فعل، فعل‌هایی امثال پنداشتن، نامیدن و ... است کاربرد تأویل در دستور زبان نیز برای اولین بار بود. انوری یادآور شد: بنده در دوره فوق لیسانس و دکتری در تهران شاگرد مرحوم خانلری بودم و با دستور ایشان آشنا شدم دستور ایشان نیز نوآوری‌هایی دارد که امروزه در دستور زبان‌ها استفاده می‌شود. زمانی که به ما پیشنهاد شد دستوری بنویسیم فکر کردیم که آمیزه‌ای از چند دستور را بنویسیم و بعد از کار بسیار دو جلد دستور یک و دو را نوشتیم. البته این دو جلد در توالی هم نیستند بلکه دستور یک خلاصه‌ای از دستور دو بود که خوشبختانه هر دو نیز مورد توجه قرار گرفت و تا به امروز منتشر می‌شود. وی با اشاره به شرکت در تألیف کتب درسی ابتدایی اظهار داشت: حتی شعر «باز باران» که از اشعار نو هم بود زمانی که قصد گنجاندن آن‌را در کتاب درسی داشتیم با مخالفت‌هایی از سوی وزیر وقت آموزش و پرورش مواجه شد و در نهایت با چالش‌های فراوان، این شعر در کتاب درسی گنجانده شد و خوشبختانه پس از انقلاب اسلامی هم این شعر حذف نشد و اکنون هم در کتاب چهارم دبستان وجود دارد. تعدادی از کتاب‌های درسی راهنمایی را هم بنده تدوین کردم.

در پایان این مراسم نیز، آیین تجلیل از استاد حسن انوری با حضور رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و تعدادی از اساتید پیشکسوت زبان فارسی برگزار شد.



گزارش جلسه مطالعات راهبردی «شاخص‌سازی، سنجش و ارزیابی وضعیت امنیت» با موضوع «شاخص‌های امنیت خارجی جمهوری اسلامی ایران و طراحی مدلی برای سنجش آن»

از روش‌های کمی از قبیل پیمایش یا نظرسنجی اشاره کردند و بیان داشتند، شاخص‌هایی به منظور بررسی امنیت احصاء شده‌اند و روایی و پایایی آنها و میزان دقت تحقیقات نیز با استفاده از روش‌هایی مانند روش کوکران مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع بنا بر فرمول کوکران اگر جامعه آماری متناسبی به عنوان گروه هدف انتخاب شوند افزایش‌های دوباره در این جامعه آماری در نتایج به دست آمده چندان تغییری ایجاد نخواهد کرد.

در ادامه ایشان شاخص‌ها و مظاهر تهدید امنیت خارجی را برشمردند و بیان کردند که شاخص‌ها و مظاهر تهدید در بُعد سیاسی امنیت خارجی عبارت است از تلاش خارجی برای بی‌ثباتی سیاسی، تلاش خارجی برای کاهش مشارکت، تلاش خارجی برای تحریک مردم به رفتارهای خشونت‌آمیز و تلاش خارجی برای ایجاد اجماع بین‌المللی علیه کشور. از سوی دیگر شاخص‌ها و مظاهر تهدیدات در بُعد فرهنگی - اجتماعی امنیت خارجی عبارتند از: تلاش خارجی برای متأثر نمودن اعتقادات و باورهای ملی از اعتقادات معارض، تلاش خارجی برای کاهش انسجام و تجانس اجتماعی، تلاش خارجی برای متأثر نمودن اعتقادات و باورهای ملی از اعتقادات معارض. همچنین شاخص‌ها و مظاهر تهدیدات در بُعد اقتصادی امنیت خارجی را می‌توان اینگونه برشمرد: انجام اقدامات سخت علیه قدرت اقتصادی کشور نظیر تحریم، مصادره و... کمک به شیوع فساد و روش‌های غیرقانونی نظیر قاچاق، پول‌شویی، انتشار پول تقلبی و... در کشور، وجود قدرت‌های برتر اقتصادی، تلاش خارجی برای پایین آمدن شاخص‌های ملی اقتصاد نظیر تولید ناخالص و رشد اقتصادی کشور انجام اقدامات سخت علیه اقتصاد کشور.

در ادامه دکتر مرادیان پارادایم روش‌شناختی خود را پارادایمی رئالیستی ارزیابی کرد و اضافه نمود پس از بررسی و مطالعه یافته‌های موجود در رابطه با امنیت خارجی ج.ا.ا. پرسشنامه‌ای شامل ۱۸ شاخص و ۴۴ زیر شاخص تهیه گردید و سپس شاخص‌های یاد شده در قالب پرسشنامه‌ای برای جامعه نمونه ارسال گردید و پس از دریافت پاسخ‌ها و تجزیه و تحلیل آماری و حذف

جلسه مطالعات راهبردی «شاخص‌سازی، سنجش و ارزیابی وضعیت امنیت» با موضوع «شاخص‌های امنیت خارجی جمهوری اسلامی ایران و طراحی مدلی برای سنجش آن» با سخنرانی دکتر مرادیان روز سه‌شنبه اول تیرماه ۱۳۹۵ در پژوهشگاه برگزار شد.

در ابتدای این جلسه دکتر محمدعلی مینایی، دبیر جلسه مطالعات راهبردی شاخص‌سازی، با اشاره به پژوهش‌های صورت گرفته در مرکز مطالعات جامعه و امنیت خاطر نشان ساخت که تاکنون سه پژوهش با عناوین «شاخص‌های امنیت ملی در حوزه فرهنگی»، «اجتماعی و سیاسی»، «شاخص‌های اقتصادی امنیت ملی و شاخص‌های امنیت اجتماعی» به انجام رسیده‌اند که هر کدام به نوبه خود می‌تواند فرصت‌های جدیدی را پیش روی سیاست‌گذاران کلان در راستای درک دقیق‌تر از وضعیت امنیت در کشور قرار دهد. در ادامه دکتر مرادیان مباحثی را پیرامون موضوع مورد نظر ارائه دادند. ابتدا ایشان با اشاره به این نکته که امنیت مفهومی ذهنی است و دچار صیورورت مداوم است، اندازه‌گیری این مفهوم را دشوار دانسته و مستلزم نوعی امعان نظر در انجام تحقیقات ارزیابی کردند. با این وجود، ایشان تدوین یک مدل به منظور اندازه‌گیری امنیت در کشور را ضروری دانستند. مدلی که بر پایه آن هم بتوان تحولات امنیت در کشور را رصد نمود و هم اینکه عملکرد مسئولان امر را مورد مذاقه قرار داد. ایشان با تمرکز بر مفهوم امنیت خارجی عنوان داشتند که امنیت ملی از دو بعد کاملاً به هم پیوسته امنیت داخلی و امنیت خارجی تشکیل شده است. جنبه خارجی امنیت ملی به تهدیدهای برون‌مرزی علیه یک دولت مربوط می‌شود که دارای ابعاد سیاسی (انزوا و اعمال فشارهای سیاسی)، نظامی (حمله نظامی یا تهدید به حمله، تقویت بنیه نظامی دشمن)، اقتصادی (مانند تحریم‌های اقتصادی) و فرهنگی و اجتماعی است. امروزه این امر پذیرفته شده که به دلیل ارتباطات گسترده نزدیکی ملل با یکدیگر، امنیت ملی در ابعاد خارجی و داخلی به یکدیگر مرتبط بوده و تحت تأثیر یکدیگر قرار دارند.

دکتر مینایی همچنین با اشاره به استفاده از نظریه زمینه‌ای به منظور تدوین مدل پژوهشی خود به استفاده

کارگاه زیبایی‌شناسی قرآن برگزار شد

پژوهشکده مطالعات قرآنی با همکاری انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، کارگاه زیبایی‌شناسی قرآن را برگزار کرد. از مهم‌ترین کسانی که در باب بلاغت قرآن کریم کار کرده‌اند، جارالله زمخشری است. تفسیر «الکشاف فی تفسیر القرآن» بهترین جایی است که می‌شود آرای او را دید. اما آرای او در سراسر تفسیر پراکنده است و به دست آوردن نگاه کلی او دشوار می‌نماید.

در این کارگاه سعی شد به دو سوال نسبتاً مشروح پاسخ داده شود و از رویکردهای زبان‌شناسی نقش‌گرا به منظور ایجاد نظم منطقی در بیان مطالب کمک گرفته شد. این دو سؤال عبارتند از:

آیا کشف در تبیین زیبایی‌های قرآن دید بلاغی جامعی دارد؟

آیا با درک رویکرد زمخشری می‌توان از این رویکرد در تبیین زیبایی‌های دیگر آیات (و در کل هر متنی) کمک گرفت؟



تسلیت

جناب آقای دکتر احمدزاده

ضایعه درگذشت پدر گرامی‌تان را تسلیت عرض کرده، از خداوند سبحان، برای ایشان علو درجات و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

جناب آقای دکتر عبدالرحمن افضلی

مصیبت وارده درگذشت همسر گرامی‌تان را تسلیت عرض کرده، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر جمیل و اجر جزیل آرزومندیم.

زیرشاخص‌های مشابه یا بی‌ربط، هر یک از شاخص‌ها و زیرشاخص‌های امنیت خارجی ج.ا.ا. وزن‌دهی شد. خبرگان، اساتید دانشگاه و مدیران درگیر در مسایل امنیتی و کارشناسان روابط بین‌الملل و کلیه محققان، متخصصان، فرماندهان و دست‌اندرکاران مسائل راهبردی و امنیتی ج.ا.ا. در این پرسشنامه شرکت داشتند. در واقع صفت مشترک جامعه آماری این تحقیق، اطلاع و خبرگی آنان در امور امنیتی به ویژه امنیت خارجی می‌باشد. این افراد از میان اندیشمندان و پژوهشگران دانشگاهی و سیاستمداران و دیپلمات‌های خبره نظام ج.ا.ا. و فرماندهان عالی‌رتبه نظامی و کارشناسان ستادهای عالی نظامی و اطلاعاتی انتخاب شدند که عمدتاً سال‌ها در خارج از کشور حضور داشته، قادر به تحلیل پدیده‌های امنیتی و سیاسی، دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر بوده و بیش از بیست سال سابقه کار عملی، مدیریتی و پژوهشی در زمینه موضوع تحقیق را دارا می‌باشند.

در ادامه پیشنهادات و انتقاداتی به مدل معرفی شده، صورت گرفت. از جمله اینکه در این مدل تنها به اقسام سخت تهدید توجه شده است در حالی که اقسام نیمه سخت تهدید که عمدتاً اقتصادی هستند و برخی از نمونه‌های آن را می‌توان در جنگ ارزی، انحصار نظام بانکی و نرم افزارهای تبادل ارزی مانند سوئیفت مشاهده کرد، در نظر گرفته نشده‌اند. همچنین با وجود آنکه مفهوم امنیت خارجی تعریف عملیاتی شده است اما همچنان تعریف مفهومی آن مغفول مانده است. امری که به اعتبار مدل ساخته شده آسیب خواهد زد.



مرکز توسعه علوم انسانی؛ حلقه مفقوده پژوهش‌های کاربردی و جامعه‌محور



♦ فائزه توکلی، کارشناس ارشد تاریخ
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

عمل پژوهش گذشته از آنکه بر زمینه‌ای پیشین مسبوق است، چهارگونه فعالیت را در برمی‌گیرد: جهت‌یابی، یافته‌اندوزی، کاربرد و نتیجه‌گیری. پژوهش در خلاء روی نمی‌دهد. جهان‌بینی پژوهشگر در کار پژوهش مداخله دارد و پژوهشگر توانا آن است که نخست در پرتو علمی‌ترین جهان‌بینی روزگار خود، به فلسفه و منطقی واقع‌گرای مجهز شود و سپس روش‌های پژوهش را بیاموزد.

دستیابی به توسعه فراگیر و پایدار بدون بهره‌گیری از پژوهش به عنوان مجموعه فعالیت‌های هوشیارانه و نظام‌مند برای کشف، بازنگری پدیده‌ها، رخدادها و فرضیه‌ها میسر نخواهد شد.

ملت متوقف

در واقع پژوهش نقطه آغازین حرکت‌های بنیادی در هر جامعه می‌باشد و اساسی‌ترین نیاز آن برای رسیدن به پیشرفت، توسعه - رفاه اجتماعی و استقلال واقعی است و به عبارتی پژوهش کلید رشد ملت‌هاست. نیتزکی و برچ می‌نویسند: «ملتی که به پژوهش و تحقیق و اطلاعات اهمیت ندهد، یعنی نمی‌خواهد حرکت کند و اصطلاحاً «ملت متوقف» نامیده می‌شود. (نیتزکی: ۱۳۷۶) براساس مطالعات صورت گرفته، ارتباط مستقیمی میان میزان توسعه یافتگی کشورها با میزان و نحوه اهمیت دادن به مقوله پژوهش وجود دارد و به همین جهت است که همواره می‌توان میان کم و کیف عملکرد پژوهشی در هر جامعه و میزان توسعه یافتگی آن جامعه رابطه مستقیمی برقرار کرد. در نظام‌هایی که برای علم و پژوهش در کشورهای پیشرفته موجود است، نیروی محرکه اصلی را فعالیت‌های پژوهشی در سطح دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی - تحقیقاتی تشکیل می‌دهد. حال آنکه در کشورهای در حال توسعه با پیشینه تمدنی بزرگی که دارند به دلیل عوامل متعدد، تولید علم به‌ویژه در حوزه علوم انسانی که تأکید این مقال است در سطح ضعیف می‌باشد و اغلب به جوامع مصرف‌کننده اندیشه‌های علمی تبدیل شده‌اند.

روش‌شناسی (Methodology) پژوهش

از دیدگاه روش‌شناسی، پژوهش شامل شش مرحله است: بیان مسئله، بررسی و مطالعه اجمالی، طرح فرضیه، تحقیق و بررسی، طرح نظریه یا کشف قانون (آریان‌پور: ۱۳۸۳، ص ۱۷). نخستین گام پژوهش بیان مسئله است؛ پژوهش واکنش انسان در برابر مسئله است. مسئله مناسب از چند ویژگی برخوردار است: ۱- راهگشای مشکلات جامعه و انسان باشد.

پژوهش به منزله استخوان‌بندی برنامه‌های توسعه جوامع بشری به‌شمار می‌آید و کلید رشد ملت‌هاست. در کشور ما پژوهش‌های حوزه علوم انسانی از جایگاه ارزنده‌ای در حل مسائل و مشکلات علمی و اجرایی برخوردار نمی‌باشد. آمار پژوهش‌های این حوزه اغلب از منظر کمی مطرح است تا کیفی. با افزایش طرح‌های پژوهشی و انتشار مجلات و مقالات متعدد علمی پژوهشی در علوم انسانی، حلقه مفقوده‌ای برای اتصال پژوهش‌های این حوزه و جامعه مشهود است تا پژوهش‌ها در جهت حل معضلات و مسائل اجتماعی همچون خشونت، اعتیاد، خانواده و... کاربست یابد و دستگاه‌های اجرایی کشور از این حوزه منتفع شوند. در این راستا کارگشایی علمی گسترده در حیطه علوم انسانی و بهره اقتصادی طرح‌های مبتنی بر پژوهش‌های سامان یافته و روشمند، از ضروریات می‌باشد، تا پژوهش‌های سامان یافته در جامعه به کار آید. کسب دانش با استفاده از ابزار علمی، فرآیندی جمعی و هم‌بسته (interdependent) است. دهه یا صدها ساعت زمانی که صرف انجام یک بررسی عملی می‌شود، در نهایت، تنها بخش کوچکی از یک معمای بسیار بزرگ را حل می‌کند. ارزش یک تحقیق علمی، بیش از آن که به ویژگی‌های ذاتی آن تحقیق بستگی داشته باشد. منوط به آن است که تا چه حد با کارهای انجام شده قبلی هماهنگ است و به پیشبرد گسترش آنها کمک می‌کند. لذا ضرورت بررسی پژوهش‌های انجام شده قبلی، شرط لازم برای شکل‌گیری روشمند دانسته‌های جدید است.



۲- گسترش راه‌های تازه در افق فراروی بشر بنماید

۳- مورد علاقه پژوهشگر باشد

لذا در جوامع در حال توسعه پرداختن به صورت مسئله پژوهش‌های مراکز علمی، تحقیقاتی در الویت ارتقاء سطح پژوهش باید قرار گیرد. عواملی مانند تکیه بر یک جهان‌بینی واقع‌گرایانه و غفلت از امکان‌های جامعه یا نظام علم و بی‌پروایی نسبت به نیازهای جامعه می‌توانند پژوهنده را در کام مسئله‌ای نامناسب افکنند (آریان‌پور، ۱۳۸۳، ص ۲۱).

مسئله موهوم یا گربه سیاه

مسئله موهوم یا به قولی گربه‌ای سیاه در اتاق تاریک که اصلاً گربه‌ای در آن نیست، پژوهنده را از رسالت راستین خود باز می‌دارد. لذا پرسش بیهوده اگر پاسخی بیاید، پاسخی بیهوده خواهد یافت. پرسش: دختر کدام امام بود که در بیابان طعمه شغال شد؟ پاسخ: دختر نبود، پسر بود، امام نبود، پیغمبر بود، شغال نبود، گرگ بود و قضیه اساساً دروغ بود! بیان مسئله باید بتواند به زبانی عام فهم و خاص پسند به دور از اصطلاحات و واژه‌های تخصصی و یا کلمات مطمئن و مخفف، ضرورت انجام تحقیق را تفهیم کند. در جهت تفهیم بیشتر این موضوع شایسته است در صورت امکان پژوهشگر به تبیین وسعت و گستردگی و پراکندگی موضوع بپردازد و به بیان دیگر شیوع و بروز فراوانی آن را بیان کند. در مرحله بعدی در صورتی که موضوع مورد بررسی از شدت یا آسیب‌زایی بیشتری برخوردار است آن را بازگو نمود و در همین راستا در مرحله بعدی در صورت مقدور باید به اهمیت موضوع از نظر مسئولین و کارشناسان و مردم توجه کرد.

نظام پژوهشی و شاخص‌های تحقیقاتی

نظام پژوهشی مجموعه‌ای منظم از اهداف، تصمیم‌گیری‌ها، سیاستگذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌های و سازماندهی مراکز اجرایی، هدایت و نظارت بر تحقیقات، نهادهای مجری تحقیقات و خدمات علمی و فنی است (قانع‌راد، ۱۳۷۶). از جمله شاخص‌های با اهمیت در ارزیابی تحقیق و توسعه، سهم اعتبار تحقیق و توسعه از تولید ناخالص ملی است. اگر سهم تحقیق و توسعه از تولید ناخالص ملی در کشوری بیش از ۲ درصد باشد، کشور پیشرفته و اگر این نسبت بین ۱ تا ۲ درصد باشد کشور توسعه یافته است و برای کشورهای در حال توسعه این نسبت بیش از ۵٪ درصد برای کشورهای عقب‌مانده نیز کمتر از ۵٪ می‌باشد (جلال‌آبادی و طاهری؛ ۱۳۸۳). از دیگر شاخص‌های مؤثر در ارزیابی تحقیق و توسعه در دنیا، شاخص تعداد محققان و دانشمندان در یک

میلیون نفر جمعیت است. یونسکو برای عبور از مرحله «در حال توسعه» به «توسعه یافتگی» تعداد ۱۴۰۰ نفر متخصص و محقق را به ازاء هریک میلیون نفر پیشنهاد داده است. امروزه پژوهش را جزء پیوسته توسعه می‌دانند و ایجاد واحد R&D (Research and development) را در هر مؤسسه، مرکز علمی و کارخانه و مرکز صنعتی ضروری می‌دانند. چرا که توسعه و پیشرفت را پیوستاری ناگسستنی از تحقیق می‌دانند و از همین روست که به تحقیقات کاربردی و توسعه‌ای تمایل بیشتری وجود دارد. در حوزه علوم انسانی نیز در تمام مراکز و نهادها و سازمان‌ها و حوزه‌های متعدد اجتماعی ضرورت چنین مرکزی در راستای نیاز سنجی مسائل حوزه‌های اجتماعی ضروری است تا نیازهای پژوهشی به مراکز پژوهشی برای امور پژوهشی ارجاع شود و سپس در جهت توسعه راه حل‌ها تشکیل مرکز توسعه علوم انسانی که جایگاهش در ساختار سازمانی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری خالی می‌باشد ایجاد شود.

در سال‌های اخیر به رغم اهمیت شاخص‌ها و میزان‌های ذکر شده، توجه و تمرکز بر میزان عملکرد کشورها به پژوهش‌های انجام شده می‌باشد و کشوری توسعه یافته‌تر و پژوهشی‌تر تلقی می‌شود که به میزان بیشتری به پژوهش‌های انجام شده عمل کند. به بیان دیگر کاربرد پژوهش در عمل مبنای توسعه است نه میزان پژوهش انجام شده و یا بودجه و تعداد محقق. از این رو پژوهش‌هایی که بیشتر کاربردی (Applied) بوده و یا مبتنی بر پژوهش‌های عملیاتی (Action Research) است، مدنظر قرار می‌گیرد.

منابع:

- ۱- لیدی، پل دی. «تحقیق کاربردی برنامه‌ریزی و طراحی»، ترجمه علی یاران. تهران مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۲- نیتزکی، گری‌گرا؛ برچ، جان. «مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی»، ترجمه منوچهر غیبی، تهران، انتشارات مدیریت دولتی. ۱۳۷۶.
- ۳- محمدی، رضا. «مروری بر چالش‌های فراروی پژوهش در ایران»، مجموعه مقالات هفته پژوهش، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین ۱۳۸۷.
- ۴- قانع‌راد، محمدامین. «نظام علمی کشور در برنامه سوم توسعه»، خبرنامه تحقیقات وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، سال اول، شماره ۴، ۱۳۷۹.
- ۵- جلال‌آبادی، اسداله؛ طاهری، افسانه. «شاخص‌های مهم تحقیقاتی در ایران و جهان»، رهیافت شماره ۳۳، ۱۳۸۳.

دکتر دالوند: مسأله توسعه کشور، یکی از مسائل و دغدغه‌های مهم پژوهشگاه است

* به نظر شما چه اقداماتی می‌تواند به تحقق بهتر اهداف برنامه راهبردی کمک کند؟
چند اقدام مهم می‌تواند پیشبرد برنامه را خیلی سریع‌تر کند:

۱- فرهنگ‌سازی: شاید ما یک مقدار کمتر در این راه حرکت کرده باشیم البته گام‌هایی برداشتیم. شاید هم توان ما اندک بود، که بتوانیم برنامه و برنامه‌نویسی را جا بیندازیم.

۲- زیرساخت‌های پژوهشگاه را برای تحقق آماده کنیم مثلاً برنامه نوشتیم ولی نیروی انسانی نداریم یا محیط لازم را نداریم. اینها موانعی است که ما به آنها موانع زیرساختی می‌گوییم. برای این موانع زیرساختی فکری‌هایی شده از جمله اینکه ما امسال یعنی سال ۹۵ موفق شدیم نظر معاونت‌های مختلفی از جمله معاونت پشتیبانی را به این موضوعات مهم جلب کنیم. در این زمینه با تلاش‌هایی که دکتر ربانی‌زاده داشتند چند برنامه مهم را تقبل کردند که اگر این برنامه‌ها اجرا شود بسیاری از این موانع ساختاری و زیرساختی حل می‌شود.

۱- برنامه توسعه زیرساخت‌های IT پژوهشگاه
۲- برنامه متناسب‌سازی ساختار پژوهشگاه مطابق با اهداف برنامه

۳- طرح آمایش نیروی انسانی در پژوهشگاه که باید بدانیم در پژوهشگاه چه توانی از نیروی انسانی داریم؟ ویژگی‌های آن چیست؟ این نیروها در چه قسمت‌هایی باید کار کنند؟ ممکن است ما در قسمت‌هایی نیرو داشته باشیم ولی نیروی کارآمدی نباشد. ما باید یک برنامه برای کارآمدسازی نیروی انسانی‌مان و برای بهینه‌سازی آنها (که ممکن است با آموزش یا جابه‌جایی همراه باشد) در قالب طرح آمایش نیروی انسانی و سیاست‌های جذب در پژوهشگاه داشته باشیم تا هم جذب پژوهشگران، هم جذب اعضای هیأت علمی را بتوانیم با تمرکز انجام دهیم.

۴- برنامه چهارمی که پژوهشگاه به‌ویژه معاونت



دکتر حمیدرضا دالوند، مدیر نظارت و ارزیابی پژوهشگاه و عضو هیأت علمی گروه پژوهشی فرهنگ و زبان‌های باستانی از اولین فارغ‌التحصیلان پژوهشگاه است که در پژوهشکده زبان‌شناسی فعالیت می‌کند. با توجه به مسئولیت ایشان در دیده‌بانی تحقق اهداف برنامه توسعه راهبردی پژوهشگاه، گفتگویی با ایشان صورت گرفته که شرح آن از نظر تان می‌گذرد:

* روند اجرایی شدن برنامه توسعه راهبردی پژوهشگاه را چگونه می‌بینید؟

برنامه راهبردی پژوهشگاه برای اولین بار در حال اجرا است و قطعاً دشواری‌ها و موانع خاص خود را دارد. اما در حدود ۲ سالی که از زمان اجرای آن می‌گذرد یعنی از سال ۹۴. ما خودمان باورمان نمی‌شد که این میزان همکاری و ظرفیت در پژوهشگاه باشد و تعهد واحدها به این برنامه تا این حد را پیش بینی نمی‌کردیم. خوشبختانه پژوهشکده‌ها خیلی سریع خودشان را با برنامه وفق دادند به طوری که امروز هم که در شورای پژوهشی عضو هستیم به ندرت طرحی را خارج از این برنامه می‌بینیم و این شاخصی مهم از روند اجرای برنامه در پژوهشگاه است. در مقابل، این برنامه موانعی نیز دارد که می‌توان به نبود زیرساخت‌های درست آن اشاره داشت که همین باعث شده روند اجرای برنامه با دشواری‌هایی همراه باشد.

پژوهشی، تقبل کرد انجام دهد اجرای برنامه بودجه‌ریزی بود. قبلاً بودجه پژوهشگاه به شکل خاصی هزینه می‌شد مثلاً هر اتفاقی که می‌افتاد و با توجه به نیازها، واحدهای مختلف مکاتبه می‌کردند و بر مبنای نیازشان مشکل‌شان حل می‌شد.

اکنون برای اولین بار در دریافت برنامه‌ای سالانه از مجریان طرح‌ها خواسته می‌شود که هزینه مورد نیاز برای برنامه‌های خود را اعلام نمایند تا بودجه پژوهش، متناسب با برنامه‌ها بین واحدها توزیع گردد. اگر این چهار گام مهم برداشته شود، تقریباً موانع زیرساختی و مشکلات ساختاری پژوهشگاه را حل کرده‌ایم.

* برای ارتقای جایگاه پژوهشگاه در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی چه اقداماتی مفید است؟

اجرای برنامه توسعه پژوهشگاه در دل خودش ساختاری دارد. ساختار راهبرد، سیاست و برنامه عملیاتی که در حقیقت راهبردها می‌توانند در شعارها و چشم‌اندازهای برنامه خلاصه شوند. یکی از آن اهداف کلان یا آن شعارها و چشم‌اندازها که برای برنامه توسعه تعریف کرده‌ایم، همین موضوع حضور پژوهشگاه در سطح منطقه و جهان است که ما بتوانیم جایگاه پژوهشگاه را در سطح منطقه و جهان ارتقاء دهیم. برای این کار ما تقریباً برنامه‌هایی که اکنون داریم انجام می‌دهیم هدف نهایی نیز همین است که ما بتوانیم حداقل در بین کشورهای آسیایی و در سطح کشور خودمان ایران به عنوان یک مرجع و یک جایگاه تثبیت شده داشته باشیم. ارزیابی این کار، منوط بر اجرای برنامه است چون هدف این کار مشخص شده است.

با اجرا شدن برنامه و ارزیابی دستاوردهای آن در طی یکی دو سال آینده مشخص می‌شود که چقدر موفق شده‌ایم، این امر جزو اهداف نهایی ماست و تمام تلاش ما در این جهت است؛ اکنون حرکت شروع شده میزان موفقیت هنوز قابل ارزیابی دقیق نیست.

* به نظر شما پژوهشگاه چگونه می‌تواند در نظام تصمیم‌سازی ملی نقش مؤثری را بر عهده گیرد؟

دقیقاً یکی دیگر از اهداف کلان برنامه تقویت جایگاه پژوهشگاه در تصویب‌سازی‌های کلان است. ما باز برنامه‌های عملیاتی واحدهای صنفی را به گونه‌ای تنظیم کرده‌ایم که منجر به این هدف شود. زمانی ما می‌توانیم در تصمیم‌گیری‌ها حضور داشته باشیم که در

درون پژوهشگاه آثار ارزشمندی تولید شده و سرمایه انسانی ارزشمندی نهفته باشد. اگر ما بتوانیم اعضای هیأت علمی را تقویت کنیم، آن عضو در هر حوزه‌ای که مشغول است، یک فرد سلامت، مطرح و نخبه می‌شود و قطعاً تصمیم‌گیرندگان به این فرد مراجعه می‌کنند. خدا را شکر پژوهشگاه از این افراد در طول تاریخ کم نداشته است که می‌توان به افرادی اشاره کرد که تصمیم‌گیری‌هایی را در رده‌های بالای کشور اتخاذ می‌کنند. این افراد از پژوهشگاه به آن رده راه یافته‌اند. اما ما واقعاً به دنبال این هستیم که اول؛ پژوهشگاه یک پژوهشگاه مسئله‌محور باشد، پژوهش در خلأ نباشد و متناسب با نیاز جامعه باشد. دوم؛ افرادی که داخل پژوهشگاه هستند افرادی نخبه و شناخته شده‌ای در سطح کشور باشد. اگر ما این دو کار را که اکنون شروع کرده‌ایم یعنی بهینه‌سازی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه و مسئله‌محور کردن پژوهش‌ها را به انجام برسانیم، خود به خود هدف تقویت جایگاه پژوهشگاه را محقق می‌کند. به عنوان مثال وقتی یک پژوهشگر در مورد اقتصاد (بیکاری، تورم، رکود) تحقیق و کار کند و نتیجه آن خوب باشد، قطعاً حاکمیت و تصمیم‌گیران در حوزه سیاست‌گذاری در حوزه اقتصاد به آن مراجعه می‌کنند.

* به منظور ارتقای کارآمدی علوم انسانی در کشور چه اقداماتی باید صورت گیرد؟

مسئله‌محور کردن پژوهش‌ها در پژوهشگاه: ما اکنون در چند سال اخیر سعی کرده‌ایم با استان‌های مختلف به‌ویژه استان‌های محروم ایران ارتباط برقرار کنیم. به عنوان مثال به استان‌های سیستان و بلوچستان، گلستان، گیلان، خوزستان و چند استان دیگر رفته‌ایم و تفاهم‌نامه‌هایی نیز منعقد شده و کارهایی هم در حال انجام است تا پژوهشگاه بتواند طرح‌هایی را اجرا کند که مشکلی از مشکلات کشور را حل کند. مسئله توسعه کشور به عنوان یکی از مسائل و دغدغه‌های مهم خود پژوهشگاه است و معتقدیم جایی که دولت برنامه توسعه دارد باید حضور داشته باشیم که بتوانیم ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن را بررسی کنیم و کسانی که برای سرمایه‌گذاری می‌آیند به‌ویژه دولت که این هزینه‌ها را تقبل می‌کند، پژوهشگاه بتواند کمک کند و توسعه‌ای متناسب با فرهنگ جامعه صورت گیرد.

نشست اول «مشروطه و زیست ایرانیان»

کشور بود و به زبان تئوری جهان زیست کوششی بود برای به درون آوردن عناصر زیست جهانی مغرب زمین به درون جهان زیست ایرانی. اکنون بعد از گذشت حدود صد و ده سال زمان مناسبی است که نحوه مواجهه این دو جهان زیست و پیامد آن را بر جهان زیست ایرانیان مورد تأمل جدی قرار دهیم.

از جانب دیگر، موضوع توفیق و یا ناکامی پروژه مشروطه‌گی در ایران دغدغه‌ای بود که توجه نظرورزان را به خود جلب کرد. برخی تجربه مشروطه در ایران را تجربه ناکام تحول‌خواهی دموکراتیکی دانستند که عدم توفیق آن به دلیل وجود شرایط محیط بیرونی (منطقه‌ای) نامناسب بود. به باور آنها ایران به لحاظ ژئوپلوژیک در منطقه‌ای قرار داشت که اولویت تاریخی آن امنیت و ثبات سیاسی بود و در چنین شرایطی بدیهی می‌نمود که قدرت سخت و نظامی‌گری اعتبار بیشتر از قدرت سامانه‌های زیست دموکراتیک داشته باشند. گروه دیگر از نظرورزان تجربه مشروطه را با تکیه بر نظریه کارگزار تاریخی تبیین کرده‌اند و دلایل عدم توفیق پروژه مشروطه را در فقدان کارگزاران قابل و اتخاذ استراتژی‌های مناسب از سوی آنان دانستند. از نظر جمع دیگری از اهل نظر، دلایل ناکامی مشروطه را باید در بی‌هنری معمارانی جستجو کرد که به بومی کردن مشروطه مبادرت ورزیدند و مشروطه را از حیز انتفاء خارج کردند.



به باور من، نتایج این کوشش‌ها در شناخت دلایل ناکامی مشروطه دستاوردهای صحیح و مهمی به دست می‌دهند، ولی توفیق کشف دلیل اصلی یا عمده دلیل این ناکامی را از کف داده‌اند. به نظر من، نگرستن به تجربه مشروطه ایران از منظر تئوری زیست جهان موقف مناسبی را برای شناخت عمده دلیل ناکامی حاصل می‌کند. از منظر تئوری جهان زیست دلیل عمده ناکامی تجربه مشروطه را باید در عدم تناسب دو تجربه جهان زیست ایرانیان و مغرب زمین جست. این امر بدان معناست که موجودی‌های تاریخی ما

گروه تاریخ سیاسی پژوهشکده تاریخ، نشست اول «مشروطه و زیست ایرانیان» را روز چهارشنبه ۱۶ تیرماه با سخنرانی دکتر محمدعلی اکبری با عنوان «بازخوانی انتقادی تجربه جهان زیست ایرانی و مشروطه فرنگی» برگزار کرد. در ادامه گزارشی از این نشست آمده است:

آشنایی ایرانیان با تمدن جدید به روایتی از اواخر قرن یازدهم هجری آغاز شد. از این رو، جنبش مشروطه خواهی ایران یکی از پدیده‌های ناشی از این آشنایی و سروکار پیدا کردن ایرانیان با تمدن جدید مغرب زمین دانسته شده است.

موضوع محوری گفتار حاضر بر نحوه مواجهه جهان زیست ایرانیان با جهان زیست غربیان، به طور خاص نحوه زیست سیاسی آنان است. از لحاظ نظری، در بحث حاضر، در پی تبیین تجربه مشروطه ایرانیان با تکیه بر تئوری‌های کلاسیک کلان‌نگر جنبش‌ها نیستم و سامانه تئوریک را مطرح نظر قرار داده‌ام که از استلزامات نظریه‌های کل‌نگر و تعمیم‌های عام تا حدود زیادی ما را دور نگاه می‌دارد: تئوری جهان زیست. البته تئوری زیست جهان زیست، بی‌شک یک موقف نظری است ولی نوع مواجهه نظرورزان در این موقف به خلع خاص بودگی از امر تاریخی نمی‌شود. در توضیح باید گفت که تئوری جهان زیست ناظر به تجربه‌های زیسته جوامع بشری یا به عبارتی زندگی‌هاست. بنابراین، تجربه‌های زیسته ایرانیان در قالب صورت‌هایی از آگاهی‌های جمعی که انضمامی‌اند، نظم سیاسی را شکل دادند که ما از آن تحت عنوان حکمرانی ایرانی یاد می‌کنیم. پس جهان زیست ایرانی، مجموعه‌ای غیر یک‌دست از تجربه‌های متفاوت و حتی متعارض گروه‌های مختلف است که با دستیاری اقتضات قدرت در نهایت به یک صورت تألیفی انجامیده است. این تألیف یافتگی، انبان دانش جهان زیست ایرانیان را، به نوبه خود شکل داد و در نهایت نظم‌های شناختی از طریق عادت و راه‌ها، به روال‌مند شدن رفتارهای جمعی ایرانیان منتهی شد. جهان زیست ایرانی در تاریخ حیات خود، بارها در معرض جهان زیست‌های دیگر قرار گرفته و به طور بطئی و سازوار دست‌خوش تغییر و تبدیل نیز شده است.

حالا پرسش این است که جهان زیست ایرانی به هنگام مواجهه با زیست سیاسی مشروطه‌گی فرنگی چه وضع و حالی پیدا کرد و آن وضعیت را چگونه می‌توان با استفاده از تئوری جهان زیست توضیح داد.

جنبش و نظام سیاسی مشروطه ایران در پی درانداختن طرحی نو نوعی از سامان سیاسی و رویه حکمرانی در این

نداشت. با به تعلیق درآمدن جهان زیست ایرانی، دست کم در زمینه زیست سیاسی، ایرانیان، از یک سو، اعتبار نحوه زیست سیاسی قدیم خود را از دست دادند و از جانب دیگر، قادر به زیست سیاسی، مطابق قواعد زیست جهان فرنگی نبودند. به عبارت دیگر، داستان ما، داستان کلاغ و راه رفتن به سیاق کبک شده بود. در وضعیت تاریخی که شیوه زیست سیاسی جدید با جهان زیست ایرانیان دست به یقه شد، آنان رویای زیستن به سیاق تجربت سیاسی مغرب زمین را در سر پختند ولی نتیجه آن خیال خامی بیش نبود. و تا آن هنگام که آنان موفق به خوانش انتقادی جهان زیست خود نشوند و جهان زیست نوین ایرانی را نسازند، اوضاع بر همان منوال سابق طی طریق می کند و زیست جهان ایرانی در تعلیق و افق زیست در جهان امروز بر روی شان بسته خواهد بود. باید توجه داشت که با ظهور جهان زیست جدید مغرب زمین و شکل گیری موقف بالا دستی این جهان زیست در افق تاریخی کنونی بشر جهان، زیست های دیگر به تعلیق دچارند و تا نسبت خود را با این وضع جدید از راه گفتگوی انتقادی جهان زیست تاریخی خودشان با این افق تاریخی، صورت ندهند، امکان زیست واقعی در این جهان جدید را بدست نخواهند آورد.



ایرانیان یا همان صورت های بنیادی ماست که به طور مبنایی با جهان زیست جدید در تعارض بود و همین تعارض ها بود که پروژه مشروطه را با ناکامی روبرو ساخت. از منظر تئوری جهان زیست، انحلال تمام عیار جهان زیست جوامع ممکن نیست. این چیزی است که به آن «تاریخیت جهان زیست» گفته می شود. جهان زیست ها یک تاریختی پیدا می کنند و افق های تاریخی ناشی از اقتضائات این جهان زیست هاست.

زیست جهان ایرانیان، بنا بر شواهد و مستندات تاریخی، افق تاریخی را ممکن کرده بود که زیست جهان فرنگی، هم افقی نداشت و لذا ناتوان از هم داستانی کردن با آن بود و ناکامی مشروطه ایرانیان را باید در همین تناظر تاریخی دو زیست جهان جستجو کرد. مواجهه دو زیست جهان با دو افق تاریخی متعارض در بادی امر کمال یابنده نیست و آن که به لحاظ تاریخی در این برخورد قهری، زیان خواهد دید و دچار وضعیت آنومیک می شود، زیست جهانی است که در موقعیت فرودستی قرار دارد. مانند تجربه ما و زیست مشروطه گی که منجر به ظهور وضعیت آنومیک در جهان زیست ایرانی شد.

از نظر تاریخی نخستین پیامد تصادم دو زیست جهان، ارمغانی بهتر از به تعلیق درآمدن جهان زیست ایرانی در پی



برگزاری کارگاه آیرونی و ادبیات آیرونیک با تأکید بر شخصیت سقراط

پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی کارگاه آیرونی و ادبیات آیرونیک با تأکید بر شخصیت سقراط را برگزار کرد. آنچه به نام «آیرونی» در فن سخنوری یونان و روم، فلسفه غرب و نقد ادبی معاصر شناخته می شود، بی تردید وامدار شخصیت و اندیشه سقراط بوده است. در این کارگاه با بازگشت به ریشه های زبانی-فرهنگی این واژه در یونان باستان، نخست سیر تطوّر تاریخی آن از یک لفظ قاموسی به یک اصطلاح در فن سخنوری و سپس یک مفهوم چالش برانگیز در فلسفه بررسی شد و آن گاه با تأکید بر شخصیت و اندیشه سقراط سطوح مختلف آیرونی تعیین و تعریف گردید. در این مسیر ارجاع مستقیم به دیالوگ های افلاطون و بازخوانی بخش هایی از آن در مرکز بحث قرار گرفت و در پایان به معرفی و بررسی نمونه هایی از ادب آیرونیک پارسی پرداخته شد. بخش نظری کارگاه در حکم درآمدی به فلسفه شعر در افق اندیشه های افلاطون است، از این جهت که شناخت سطوح مختلف آیرونی سقراطی کلید فهم دیالوگ های افلاطون و ورود به قلمرو ایده ها و مسائل فلسفی اوست که یکی از آن مسائل مهم فلسفی «ستیز فلسفه و شعر» است.

